

Analyzing The Factors and Obstacles of The Individual Influence of Society in The Era of The Revelation of The Qur'an From The Prophet of Islam (PBUH) in The Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

authors

Maryam Talakoub
Mahdi Habibolahi*
Mahdi Motia

How to cite this article

Maryam Talakoub , Mahdi Habibolahi, Mahdi Motia, Analyzing The Factors and Obstacles of The Individual Influence of Society in The Era of The Revelation of The Qur'an From The Prophet of Islam (PBUH) in The Holy Quran, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2023:7(2): 506-516.

1. PhD student, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Foreign Languages and Intercultural Studies, Bagheral Uloom University, Qom, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Isfahan University, Isfahan, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: habibolahi@gmail.com

Article History

Received: 2023/04/12
Accepted: 2023/07/31

ABSTRACT

Purpose: Considering that one of the important issues about the Holy Prophet (PBUH) is his attention to the influencers of the society and the factors and obstacles that have been important in the influence of these people from him. This article is written on the topic of analyzing the factors and obstacles of the individual influence of society in the era of the revelation of the Qur'an from the Prophet of Islam (PBUH) in the Holy Quran. The purpose of this article is to analyze the society of the era of the revelation of the Quran and to extract the factors and obstacles of the individual influence of the people of that society from the Prophet of Islam (PBUH) in the Holy Quran.

Materials and methods: The research method of this article is descriptive and analytical, and information was collected using the library method and a phishing tool, and the verses related to effectiveness or lack of effectiveness and its causes and obstacles are given

Conclusion: And in the end, the conclusion has been reached that there are factors and obstacles in the influence of people, which causes the majority vote to have a great impact on a person's opinion, and this principle is the basis of the formation of social norms of any society and a lot of volume of our thoughts, feelings, and behavior are formed as a result of indoctrination and group influence.

Keywords: Effectiveness, The Prophet, Quran, Obstacles.

واکاوی عوامل و موانع تأثیرپذیری فردی جامعه عصر نزول قرآن از پیامبر اسلام (ص) در قرآن کریم

مریم طلاکوب

دانشجوی دکتری، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مهدی حبیب‌اللهی*

استادیار، گروه زبان‌های خارجی و مطالعات بین‌فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

مهدی مطیع

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

هدف: با توجه به اینکه یکی از مسائل مهم درباره پیامبر اکرم ص، توجه ایشان به تأثیرپذیران جامعه و عوامل و موانعی است که در تأثیرپذیری این افراد از ایشان اهمیت داشته است؛ این مقاله با موضوع واکاوی عوامل و موانع تأثیرپذیری فردی جامعه عصر نزول قرآن از پیامبر اسلام ص در قرآن کریم نگاشته شده است. هدف از این نوشتار تجزیه و تحلیل جامعه عصر نزول قرآن و استخراج عوامل و موانع تأثیرپذیری فردی افراد آن جامعه از پیامبر اسلام ص در قرآن کریم می‌باشد.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق این مقاله توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش برداری اطلاعات جمع‌آوری شده و آیات مربوط به تأثیرپذیری یا عدم تأثیرپذیری و علل و موانع آن آورده شده است.

نتیجه‌گیری: در پایان این نتیجه به دست آمده است که عوامل و موانعی در تأثیرپذیری افراد وجود دارد که سبب می‌شود رأی اکثریت، در عقیده یک فرد اثر بسیار زیادی بگذارد و این اصل، پایه و اساس تشکیل هنجارهای اجتماعی هر جامعه می‌باشد و حجم بسیاری از افکار، احساسات، رفتار ما در اثر تلقین و نفوذ گروهی شکل می‌گیرند.

واژگان کلیدی: تأثیرپذیری، پیامبر، قرآن، موانع.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹

*نویسنده مسئول: habibolahi@gmail.com

مقدمه

اسلام در زمانی پدیدار شد که نه تنها جزیره العرب بلکه سراسر جامعه ی بشری آن روز چون بیمار مشرف به مرگ بر بستر احتضار افتاده بود و مورد هجوم همه گونه نادرستی‌ها و تاریکی‌ها و انحراف‌ها قرار داشت. این مدعا تخیل و پندار نیست بلکه حقیقت تلخی است که تاریخ بدان گواه می‌دهد. بنابراین تأثیر و نفوذ بر چنین جوامعی روش‌ها و قوانین خاص خود را می‌طلبد که این قوانین با بررسی عوامل و موانع تأثیرپذیری فردی یعنی نگرش‌هایی که در اعتقادات و باورهای افراد ریشه دارد و عامل یا مانع تأثیرپذیری از تأثیرگذاران از جمله پیامبر اسلام ص می‌شده است؛ به دست می‌آید. قوانینی که با آن بتوان به تغییر و کنترل افکار عمومی پرداخت. رهبران موفق کسانی هستند که قدرت نفوذ در افراد را داشته باشند و به این قوانین آگاه باشند. اگر نگاهی به جامعه دوران پیامبر اسلام و تحولاتی که پس از بعثت در مردم ایجاد شده بیندازیم، دقیقاً شاهد یک رویارویی از دو طرز تفکر متقابل را شاهد هستیم، از یک طرف موضع‌گیری اقشاری از مردم در برابر تبلیغ پیامبر و از طرفی تأثیرپذیری بخشی از جامعه از پیامبر گرامی اسلام.

پیامبر اسلام ص با استفاده از این قوانین توانسته است افکار عمومی و فضای جامعه عصر نزول قرآن را تحت کنترل خود قرار دهد. در این مقاله محقق به دنبال طرح این نظریه است که بگوید عوامل و موانعی در تأثیرپذیری افراد وجود دارد که سبب می‌شود رأی اکثریت در عقیده یک فرد اثر بسیار زیادی بگذارد و این اصل، پایه و اساس تشکیل هنجارهای اجتماعی هر جامعه می‌باشد و این عوامل و موانع تأثیرپذیری سبب می‌شود تا بر حجم بسیاری از افکار، احساسات، رفتار افراد هر جامعه‌ای، تلقین و نفوذ گروهی اثر بگذارد. یعنی محیط روی ما اثر کند. برای کشف این قوانین تأثیرپذیری لازم است ویژگی‌های مربوط به فرهنگ فردی جامعه عصر نزول قرآن را مورد بررسی قرار داده و از منبع قرآن کریم برای کشف عوامل و موانع تأثیرپذیری فردی بهره برده شود.

۱. عوامل فردی تأثیرپذیری جامعه عصر نزول قرآن کریم از پیامبر اسلام (ص)

برای اینکه یک فرد پیامی را به مخاطبین خود القاء نماید، باید بداند که مخاطبین دارای خصوصیات و عوامل خاصی می‌باشند و آن پیام را در چنین شرایط و عواملی به مخاطب منتقل نماید تا تأثیر گذار باشد. هر یک از این خصوصیات که در پیام گیر باشد، راه را برای تلقین پیام هموار می‌سازد. با توجه به این مسئله در این بخش به عوامل تأثیرپذیری پرداخته می‌شود. عواملی که سبب تأثیرپذیری افراد از فرد تأثیرگذار می‌گردد و موجب تأثیر فرد از گروه یا فرد از فرد دیگر خواهد شد. عواملی که به واسطه آن پیامبر اکرم ص توانستند تا عمق جان امت نفوذ نمایند و قلب و ذهن آنان را در تسخیر خود در آورند که قرآن کریم به آن اشاره نموده است و به ذکر عناصر مثبت فرهنگ جاهلی و ویژگی‌های مثبت

و یهودیت بودند زیرا آنان به خدای یگانه همانند پیامبر اعتقاد داشته و پیامبر اسلام نیز پیامبران آنان را تصدیق می نمود. همین تفکرات مشابه سبب شد تا مردم دین اسلام را بهتر بپذیرند و در مورد شباهت ظاهری مخاطبین با تأثیر گذاران می توان گفت که اگر تأثیر گذاران جامعه از لحاظ ظاهری دارای شباهت هایی باشند ارتباط بهتری برقرار می نمایند. مثلاً افراد جوان با جوانان بیشتر معاشرت می نمایند یا افراد هم قبیله و خانواده ارتباط بهتری با هم می توانند داشته باشند و اعتماد بیشتری نسبت به همدیگر دارند. مانند پیامبر گرامی اسلام (ص) که اولین گروندگان به او نزدیکان او چون همسرش خدیجه و پسر عمویش حضرت علی ع بودند. لذا پیامبر(ص) ابتدا دعوت خود را از نزدیکان و خویشاوندانش آغاز نمود. زیرا آنان بهتر او را می شناختند، از طرف دیگر پیامبر، فردی از بین همان مردم و ساکن عربستان بود اگر پیامبر از منطقه ای دیگر برای هدایت مردم به مناطق مکه و یثرب می آمد مورد پذیرش واقع نمی شد.

۲،۱،۱. جذابیت های فرد تأثیر گذار

اگر فردی برای مخاطبان خود جذاب باشد. بیشتر می تواند آن ها را تحت تلقین حرف های خود قرار دهد تا کسی که از او متنفر باشند یا حداقل از او تصور خوش آیندی نداشته باشند. جذابیت جسمانی حتی در جلب نگرش و باور و رفتار افراد تأثیر می گذارد. داشتن اندامی موزون، زیبایی، نوع لباس پوشیدن و عطری که مصرف می کند و حتی نحوه خندیدن، راه رفتن، صحبت نمودن و نوع مرتب بودن موی سر از عوامل جذابیت جسمانی است. انسان ها افراد جذاب را دوست دارند زیرا فکر می کنند آن ها خصوصیات مطلوب دیگری هم دارند. از طرفی دیگر رفتار اجتماعی با افراد جذاب بهتر از رفتار اجتماعی با افراد غیر جذاب می باشد. افراد جذاب نیز خود از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار می شوند و متقابلاً رفتار اجتماعی بهتری از خود نشان می دهند. البته ملاک و معیار قرار دادن زیبایی یا زشتی افراد در تأثیر یا عدم تأثیر پذیری یکسان نیست و جوامعی که از لحاظ عقلانی هنوز به درجه ای از بلوغ نرسیده اند این را ملاک و معیار قرار می دهند و تبعیض رفتاری نسبت به اشخاص دارند مانند دوران جاهلیت که در نزد عده ای از مردم تفکر تبعیض نژادی وجود داشت و میان سیاه و سفید فرق می گذاردند و البته پیامبر این تفکر را تغییر داد. از قول ابن عباس نقل شده است که پس از فتح مکه، پیامبر ص به بلال حبشی دستور داد که بالای کعبه برود و اذان بگوید و او اذان گفت. عتاب بن اسید ابی عیص گفت: خدا را سپاس که پدرم فوت کرده و نیست تا این روز را ببیند. سپس حارث بن هشام گفت: محمد، جز این کلاغ سیاه مؤذن دیگری را نیافت؟ ابوسفیان گفت: من چیزی نمی گویم. چون می ترسم پروردگار آسمان او را با خبر سازد. یس جبرئیل بر پیامبر نازل شده و از تفاخر به نسب و تکاثر اموال و کوچک شمردن فقیران منع کرد و اساس و ملاک برتری را تقوا اعلام فرمود.

جامعه عصر نزول که سبب تأثیر پذیری از پیامبر می شده، پرداخته است و البته گاهی هم به تعدیل و یا تکمیل آن ها همت گماشته و گاه با ایجاد تغییر و تحولاتی، آن ها را اصلاح کرده است. از جمله وفای به عهد و پیمان است که در عصر جاهلی ریشه داشته است. (توبه، ۴) مسئله ای که قابل اهمیت است این است که در کنار توجه فرد تأثیر گذار به عوامل تأثیر پذیری، رفع موانع هم لازم است و پیامبر به این مسئله توجه داشتند و چه بسا همه این عوامل را افراد برای تأثیر گذاری بر مخاطبان خود توجه می کنند اما به موانعی که ممکن است اثر این عوامل را خنثی نماید توجهی ندارند.

علاقه مندی مخاطبین به تأثیر گذاران

هر چه مخاطبان به تأثیر گذاران جامعه علاقه مندتر باشند به همان نسبت سخن آنان را قبول می نمایند. این علاقه مندی سبب تصرف قلب مخاطب شده و با رضایت انجام می شود. رضایت افراد از چیزی موجب زمینه سازی تصرف قلب آنان می گردد. روش رضایت برای تصرف قلب مقوله ی حب و بغض است که در لایه ی شغاف دل پدید می آید؛ قلبی که مملو از بغض نسبت به چیزی یا کسی باشد امکان تصرف ندارد اما اگر آکنده از حب نسبت به آن چیز یا کسی باشد توسط آن تصرف شده است. قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا (یوسف، ۳۰) (و آن چنان عشق غلام بر او چیره شده که اعماق قلبش را تسخیر کرده است.) در زمان پیامبر ص افراد زیادی علاقه مند به آن حضرت بودند. از آن جمله فردی به نام اویس قرنی که علاقه شدیدی به پیامبر ص داشت و از یاران ایشان بود و آرزو داشت برای یکبار هم شده پیامبر را از نزدیک ملاقات نماید ولی موفق نشد. به طور کلی این علاقه مندی تابع چند عامل می باشد:

۱،۱،۱. داشتن تفکرات مشابه و شباهت هایی ظاهری فرد تأثیر گذار افراد وقتی به فردی بر می خورند که شبیه آنان فکر می کند احساس می کنند آن فرد بیگانه نیست و می توان به او اعتماد نمود و کم کم با او صمیمی می شوند. مانند حضرت ابراهیم (ع) که روزی با خورشید پرستان می نشست و به ظاهر خدای خود را خورشید می خواند و روزی با ماه پرستان و روزی هم با ستاره پرستان و بعد از اینکه مخاطبانش او را هم فکر و هم عقیده خود می پنداشتند، حضرت ابراهیم (ع) به نفی خدایان آنان و اثبات خدای یگانه می پرداخت و خود را معرفی می نمود و یا مانند پیامبر اسلام ص که با تفکر تبعیض نژادی سخت مخالفت می نمود و مبارزه می کرد و این مسئله سبب اعتماد و علاقه ستمدیدگان می شد. از تبعیض نژادی می توان به کسانی اشاره نمود که غیر عرب و سیاه چرده بودند و از هیچ امتیازی برخوردار نبودند. این گونه افراد تنها به عنوان برده جهت رفاه حال و منافع اشراف عرب به کار گرفته می شدند. (۱) پیامبر در مورد آنان می فرمود: «نسب های خود را نزد من نیاورید بلکه عمل های خود را آورید.» (۲) این مبارزه پیامبر ص با تبعیض نژادی سبب شد تا افرادی که زیر ستم همین تفکرات جاهلانه تحقیر می شدند به اسلام گرایش پیدا کنند، علاوه بر برخی بت پرستان، از جمله گروندگان به پیامبر پیروان ادیان مسیحیت

(۱) وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات، ۱۳) شما را قبیله‌های بزرگ و کوچک
 قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید (پس در میان شما برتری نژادی
 نیست بلکه) مسلماً گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین
 شماست.

۳،۱،۱. آشنایی مخاطبان با تأثیرگذاران

وقتی که هریک از ما با فردی برخورد می‌کند و آشنا می‌شود
 زمینه‌ی علاقه‌مندی در ما ایجاد می‌گردد. پیام یک فرد آشنا قابل
 قبول تر است تا افراد غریبه و بدون شناخت قبلی. به عنوان نمونه
 می‌توان به این مسئله اشاره نمود که اهل کتاب پیامبر اسلام را می
 شناختند زیرا با توجه به نشانه‌هایی که از ظهور پیامبری جدید در
 کتاب‌های خود خوانده بودند و بشارت آن را شنیده بودند، نسبت
 به پیامبر آشنایی کامل به دست آورده بودند. هم چنان که خداوند
 در قرآن کریم می‌فرماید: الَّذِينَ آمَنُواهُمْ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ
 آبْنَاءَهُمْ (بقره ۱۴۶) (کسانی که به آن‌ها کتاب (آسمانی) داده‌ایم او
 را (محمد) را طبق معرفی کامل تورات و انجیل) می‌شناسند به
 گونه‌ای که پسرانشان را می‌شناسند) از طرفی هم با او آشنایی قبلی
 داشتند، این مسائل خود زمینه‌ی علاقه‌مندی عده‌ای از اهل کتاب
 را به پیامبر بیشتر می‌نمود و یکی از دلایل انتظار ظهور ایشان از
 سوی اهل کتاب گردید. همچنان که در تفسیر اطیب البیان می
 گوید: (خداوند تبارک و تعالی در تورات و انجیل و زبور وصف
 محمد و وصف اصحاب و هجرت او را بر آنان نازل کرده است
 چنانکه قرآن هم می‌فرماید: رسول خدا و کسانی که با او ایمان
 آورده‌اند در برابر کافران سختگیر و در میان خود مهربانند، آنها
 را در حال رکوع، سجده، طلب فضل خدا و رضای ما می‌بینی،
 آثارشان از اثر سجده در صورتشان است. این است وصف رسول خدا
 در تورات و وصف اصحابش که خداوند عز و جل فرستاد.) (۴)

۲،۱. ارزش و اعتبار تأثیرگذاران در نزد مخاطبان

یکی دیگر از دلایل تأثیر پذیری افراد این است که آنان چه میزان
 تأثیر گذار را قبول دارند به میزان قبول داشتن آن‌ها اعتبار آن شخص
 بالا می‌رود. از عواملی که سبب افزایش اعتبار شخص می‌گردد می
 توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱،۲،۱. تخصص علمی تأثیر گذاران

هر چه قدر پیام دهنده در پیامی که می‌دهد، تخصص علمی داشته
 باشد پیامش به همان اندازه دارای اعتبار است و مخاطبان سخن
 او را قبول می‌کنند. اما اگر تخصصی نداشته باشند توجهی به
 صحبت‌های او نخواهند کرد. وقتی به
 سخنرانی شخصی گوش می‌دهیم اولین چیزی که به ذهنمان می‌آید
 تا به حرف‌هایش اعتماد نماییم، تخصص سخنران در همان مبحثی
 است که صحبت می‌کند. پیامبر گرامی اسلام ص نیز از علم الهی و
 یا علم شهودی بهره‌مند بود و سخنانش از سوی وحی بیان می‌شد،
 قرآن کریم به این مسئله اشاره می‌نماید: ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ
 إِلَيْكَ (آل عمران، ۴۴) (این (داستان‌ها) از اخبار غیبی است که به
 سوی تو وحی می‌کنیم و یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: عَالِمُ الْغَيْبِ

فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ (جن، ۲۶-۲۷)
 (خداوند) دانای غیب است و بر اسرار غیبی خود کسی را آگاه
 نمی‌کند؛ مگر کسی را که برگزیده است از فرستاده‌گانش و در آیه
 ۹۹ سوره طه خداوند خطاب به پیامبر ص می‌فرماید: (كَذَلِكَ نَقُصُّ
 عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا) (۳) و ما
 اخبار گذشتگان دیگر را این چنین بر تو حکایت خواهیم کرد و
 از نزد خود این ذکر (یعنی کتاب عظیم الشان قرآن) را به تو عطا
 کردیم. در تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن این
 چنین گفته است: (ما از علومی که در نزد و در غیب ماست به تو
 دادیم و این، بر طریق منت و تذکیر نعمت

بر تو (رسول اکرم) می‌باشد.) البته افرادی که این مسئله را باور
 داشتند به او ایمان می‌آوردند زیرا هر سوالی از حضرت می‌نمودند
 با توجه به وحی و آیات الهی پاسخ می‌دادند و ایشان نیز اخباری از
 غیب را برای مردم می‌فرمود.

۲،۲،۱. مهم بودن فرد تأثیر گذار در برابر تأثیر پذیران

اگر فرد پیام دهنده مهم باشد سخنان او را نیز قبول می‌نمایند. مهم
 بودن پیام دهنده دلیل بر اعتبار داشتن اوست. هر چه قدر اعتبار او
 بیشتر باشد حرف‌هایش قابل قبول تر است. اشخاصی را که ما مهم
 می‌دانیم برای آن‌ها ارزش قائل هستیم و می‌خواهیم با آن‌ها
 همانند سازی کنیم چون آن‌ها برای ما اعتبار دارند بنابر این پیام
 آن‌ها ما را متقاعد می‌کند. رهبر یک گروه برای اعضاء آن گروه
 فرد مهمی محسوب می‌شود. بنابر این اعضاء به حرف او ایمان
 دارند حتی اگر حرف‌های او خالی از واقعیت باشند. در هر جامعه
 ای در قشرهای مختلفی افراد مهم و محبوب دیده می‌شود مثلاً در
 قشر ورزشکاران یک مربی تیم ملی فوتبال، محبوب و مهم به شمار
 می‌رود. بنابر این حرف این مربی برای طرفدارانش معتبر و قابل
 قبول است. خیلی‌ها معتقدند که یکی از علل قوی این که رونالد
 ریگان رئیس جمهور آمریکا انتخاب شد همین محبوبیت او در
 سینما بوده است و از این طریق طرفداران بی شماری پیدا کرده است
 و یا به عنوان مثال پیامبر اسلام ص وقتی در بین مردم فرد مهمی شده
 بودند و محبوبیت بسیار زیادی به دست آوردند؛ به عنوان رهبر
 مردم انتخاب گردیدند و توانستند حکومت اسلامی تشکیل دهند.
 همین مشهوریت و محبوبیت ایشان بود که باعث نفوذشان بر مردم
 گردید.

۳،۲،۱. پذیرش سخنان افراد بدون سودجویی و غرض‌ورزی از سوی تأثیر پذیران

اگر کسی از متقاعد ساختن ما سودی نبرد (حتی ضرری هم بر او وارد
 شود) ما به او اعتماد خواهیم کرد و تحت نفوذ او قرار خواهیم
 گرفت و آن را از نوع دوستی و صداقت خواهیم دانست ولی اگر
 بدانیم سخن او از روی غرض‌ورزی و سودجویی است و فرد قصد
 سودجویی داشته است؛ به او بدگمان و بی‌اعتماد خواهیم شد. پیامبر
 گرامی اسلام ص در برابر اصلاح اعتقادات مردم و نجات آن‌ها از
 ظلم و استبداد و خرافات زمانه هیچ مزدی دریافت نکرد و وقتی
 مردم دیدند که ایشان برای اصلاح امت از جان خود نیز گذشته

است و سختی های دوران شعب ابی طالب را متحمل گشته و مورد آزار و اذیت واقع شده است و حتی وقتی سران مشرک به او وعده ی مال و ثروت و مقام دادند، نپذیرفت و فرمود اگر ماه را در دست راستم و خورشید را در دست چپم قرار دهید دست از هدفم برنمی دارم؛ فهمیدند که ایشان قصد سودجویی ندارد و تنها به دنبال نجات مردم از شرک و بت پرستی است.

۳،۱. خستگی تأثیرپذیران از مسائل و مشکلات جامعه خستگی افراد از مشکلات جامعه، قابلیت تأثیر پذیری را افزایش می دهد زیرا وقتی که خسته باشیم کمتر به انتقاد و عیب جویی می پردازیم و در مقابل به جای آن تنها یک چیز می خواهیم و آن هم خلاص شدن از آن و دست یابی به آرامش است. در جامعه عصر نزول قرآن مشکلات جامعه بسیار زیاد بود و مردم از این مشکلات خسته شده بودند و به دنبال راه چاره می

گشتند. در تاریخ بردگی این چنین می نویسد: (صاحبان این برده ها با قساوت و بی رحمی عجیبی با آن ها رفتار می کردند، اگر بنده ای در انجام خدمات اندک، قصوری می ورزید مجازات های سخت می دید؛ شلاق می خورد، او را به زنجیر می کشیدند، به

آسیابش می بستند، به حفر معادن می گماشتند، در زیر زمین ها و سیاه چال های هولناک حبس می کردند و اگر گناهش بزرگتر بود به دارش می آویختند! گاهی غلامان محکوم را در قفس درندگان می انداختند و اگر جان سالم به در می بردند درنده دیگری را داخل قفس او می کردند.) (۵) پیامبر اسلام ص به دستور آیات الهی به هیچ وجه اجازه برده گیری یا خرید و فروش غلام و کنیز از تاریخ بعثت پیامبر اکرم ص به بعد را نداد، اما در مورد بردگان قبلی بر اساس قوانین الهی با آنان رفتار می شد. (۶) از مسائل و مشکلات دیگر جامعه این بود که اگر کسی یک فرد دیگر را که از قبیله دیگر بود می کشت؛ قبیله مقتول تمام خویشاوندان او را در این باب مسئول می شناخت و هر کسی از آن ها را می یافت، می کشت. این قصاص نیز بی جواب نمی ماند و غالباً قتل دیگر و حتی جنگی سخت را به دنبال داشت. (۷) در کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام آمده: بسیاری از جنگهای بین قبائل عرب که در تاریخ عهد جاهلی به ایام عرب مشهور شده است از همین کینه جویی ها و خونخواهی ها پدید آمده است. (۸) علامه طباطبایی می فرماید: چه بسا می شد که یک قبیله، قبیله ای دیگر را به خاطر یک قتل به کلی نابود می کرد (۹) این مشکلات که کم هم نبود و مردم از آن خسته شده بودند و به دنبال راه چاره می گشتند سبب شد تا با گرویدن به اسلام و پیروی از احکام اسلامی، این موارد محدود و کنترل شود. حکمی در اسلام از طرف خداوند توسط پیامبر (ص) وضع شد و قانون جامعه گردید، بر اساس این آیه قرآن: (وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا (مائده، ۴۵) (نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان و هر زخمی را قصاص خواهد بود. پس هر گاه کسی حق قصاص را ببخشد (نیکی کرده و) کفاره (گناه) او خواهد شد، و هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از ستمکاران خواهد بود.)

۴،۱. منفعت طلبی تأثیرپذیران

عده ای از مردم یک جامعه در صورتی که تأثیر پذیری از تأثیرگذاران برای آنان نفعی داشته باشد، از آنان تبعیت می کنند. زیرا می دانند اگر وعده پاداش آن ها عملی شود و آنان از تابعان آن ها به حساب نیایند از آن محروم خواهند ماند. به عنوان مثال در زمان پیامبر اسلام (ص) وقتی ایشان در مدینه بودند و افراد زیادی اسلام آوردند افراد دیگر جامعه نیز برای محروم نماندن از منافع شخصی خود به اسلام گرویدند و البته این اعتقاد تا جایی دوام داشت که منفعت این گروه تأمین گردید و با حذف این منافع از اعتقاد آنان جز ظاهری نماند و یا افرادی که برای رسیدن به پاداش و جزای روز قیامت ایمان می آوردند، اگر چنین وعده هایی نبود شاید هرگز ایمان نمی آوردند. لذا در اواخر دوران رسالت اگرچه تعداد مسلمانان به اوج خود رسیده بود، ولی اغلب آنان را تازه مسلمانانی تشکیل می دادند که از ایمانی مستحکم و استوار برخوردار نبودند، این عده را می توان اینگونه تقسیم بندی کرد:

۱. عده ای به خاطر منفعتی که مسلمان شدن برایشان داشت، اسلام را پذیرفتند.

۲. عده ای دیگر، چون در اقلیت قرار گرفته بودند، به ناچار اسلام اختیار کردند.

۳. بعضی دیگر نیز که تا آخرین حد ممکن، در برابر اسلام ایستادگی کرده بودند و دیگر توان مقابله با اسلام را نداشتند، شیوه دیگری را برگزیدند که با مسلمان شدن از درون ضربه را به اسلام وارد نمایند، از آن جمله می توان از ابوسفیان و اطرافیانسان که جزو طلقاء در فتح مکه بودند، نام برد.

بدیهی است ابداع بعضی از دستورات در میان این جمعیت، مشکلاتی را به همراه داشته است.

۵،۱. انتظار احترام و توجه به ارزش های مورد اعتقاد تأثیرپذیران از سوی افراد تأثیر گذار

هر فردی دارای یکسری ارزش های ذهنی است که به آن ها اهمیت می دهد. اگر کسی این ارزش ها را بشکند فرد با او قطع رابطه می کند ولی اگر ارزش های فردی آن شخص را بشناسد و به آن ها احترام بگذارد و سعی در تأمین آن ارزش ها داشته

باشد، اساس ایجاد روابط صمیمانه ای بین خود و آن فرد ایجاد کرده است. ارزش ها اموری هستند که میل باطنی و اساسی ما به سوی آن هاست. برنامه زندگی ما را ارزش های ما تعیین می کنند. اگر به سوی ارزش ها قدم برداریم؛ خود را تمام و کمال احساس نمی کنیم. اسلوب زندگی ما را، نظام ارزش ها اداره می کند. واکنش های ما در برابر تجربیات زندگی، بر پایه ارزش هاست. ارزش ها از دوران کودکی در ذهن افراد نقش می بندند و با توجه به پاداش های روانی که از محیط خود می گیرند آن ارزش ها را برمی گزینند. اگر فردی در خانواده ای بزرگ شده باشد که برای شرافت ارزش زیادی قائل شده باشند، آن فرد نیز برای شرافت ارزش قائل خواهد بود. مجموعه

ارزش ها بسیار متنوع و گسترده است به عنوان مثال می توان به چند مورد از ارزش ها اشاره نمود: آزادی، شرافت، امنیت، احترام، حمایت، مقام، پول و ...

وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ: (تکویر، ۸-۹) و هنگامی که از دختران زنده به گور شده باز پرسند. که (آن بی گناهان) به چه جرم و گناه کشته شدند؟! همچنین قرآن کریم در مورد زنان و برابری آن‌ها با مردان می‌فرماید: للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن (نساء، ۳۲) مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد) (و لهن مثل الذي عليهن بالمعروف) (بقره، ۲۲۸) برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده. قرآن، آن‌گاه که از انسان - که در حقیقت آن زن و مردی در کار نیست - سخن می‌گوید، تنها از ذات انسان سخن می‌گوید که زن و مرد در آن یکسان هستند. و آن‌گاه که از مقام انسان و برتری او بر بسیاری از آفریده‌ها سخن می‌گوید. (اسراء، ۷۰) و از امانت‌هایی که به انسان سپرده شده است (احزاب، ۷۲) و از روح خدا که در او دمیده شده است (سجده، ۹) و آن‌گاه که خداوند خود را در آفرینش این انسان مبارک می‌شمرد. (مومنون، ۱۴) در همه این موارد، از حقیقت بلند انسانی سخن می‌گوید، زن و مرد بدون هیچ فرقی در آن مشترکند، و در جاهای دیگر قرآن به این مسئله اشاره دارد که هیچ تفاوتی در ویژگی‌های ذاتی انسانی و در تلاش در رسیدن به مراتب کمال نیست. چنانچه می‌فرماید: يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و اُنثى (حجرات، ۳) دلیلی قاطع بر هم سنگ بودن زن با مرد در اصل نژاد بشری است که این اصل در گذر نسل‌های پی در پی محفوظ و پایدار خواهد بود. و یا در آیه دیگر در باره مساوی بودن مرد و زن می‌فرماید: (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَاشِعِينَ وَالْحَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالذَّكَّرِينَ وَالذَّكَّرَاتِ اللَّهُ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) (احزاب، ۳۵) با نهایت تأسف هنوز در جوامع اسلامی، آثاری از همان افکار جاهلی وجود دارد، و هنوز کم نیستند خانواده‌هایی که از تولد پسر خوشحال و از نوزاد دختر ناراحت می‌شوند، و یا لاقول تولد پسر را بر دختر ترجیح می‌دهند. حتی در جوامع غربی، که تصور می‌کنند برای زن شخصیت والائی قائلند عملاً می‌بینیم او را آن چنان تحقیر کرده‌اند که به صورت یک عروسک بی ارزش یا وسیله‌ای برای خاموش کردن آتش شهوت، و یا ابزاری برای تبلیغ کالاهایشان در آورده‌اند.

۶.۱. گرایش تأثیر پذیران به تأثیر گذارانی علاقه مند به رفع نیازهای آن‌ها
نیاز، به یک حالت کمبود یا نقصان در موجود زنده گفته می‌شود. و این نیاز، موجود را برمی‌انگیزد که به دنبال رفع نیاز برود. وقتی موجود زنده احساس نیاز می‌کند این احساس یک احساس ناخوشایند است و وقتی نیاز او برطرف می‌شود این حالت برای او یک حالت خوشایند است. از این رو گفته می‌شود که عامل

انگیزشی جانداران نیازهای آن‌ها است. همه انسان‌ها به چیزهایی نیازمندند که اگر تأثیرگذاران جامعه آن نیازها را برای آن‌ها برآورده کنند آن افراد نیز علاقه مند به آنان می‌شوند. زیرا آنان

البته این نکته مهم را هم باید توجه نمود که ارزش‌ها نزد افراد دارای سلسله مراتبی می‌باشد. به عبارتی هر فردی معتقد به یک سلسله مراتب از ارزش‌هاست. مثلاً ممکن است فردی برایش عشق، پول و انسانیت ارزش داشته باشد ولی پول ارزشش خیلی بیشتر از عشق و انسانیت باشد و او آن دو را به پول بفروشد. بنابراین یک فرد تأثیر گذار می‌بایست سلسله مراتب ارزش‌های افراد را کشف نماید. آن‌گاه با دانستن آن بهتر می‌تواند با او رفتار نماید. کسانی که محبت برایشان بیشترین و بالاترین ارزش را دارد با کسانی که مقام برایشان بیشترین و بالاترین ارزش را دارد متفاوت است و افراد تأثیر گذار برای نفوذ باید دو روش جداگانه برای آن‌ها اجرا نمایند. ارزش‌ها مهم‌ترین ابزارهای کشف نحوه عملکرد انسانند. ارزش‌های مشترک،

اساس روابط صمیمانه را تشکیل می‌دهند. اگر بین دو فرد همبستگی وجود داشته باشد، روابط آن‌ها پایدارتر خواهد بود. ما دوست داریم ارزش‌هایمان از طرف دیگران تأیید شوند و دیگران به آن ارزش‌ها احترام بگذارند. چنانچه چه فردی ارزش‌های ما را نپذیرد و از آن‌ها انتقاد کند و بی‌احترامی نماید، ما از او دور می‌شویم. اساس تشکیل گروه‌ها همین اشتراک ارزش‌هاست. به عبارتی تمام اعضای گروه دارای یک ارزش و هدف هستند. مسئله‌ی احترام به ارزش‌ها را می‌توان در زمان پیامبر ص در مورد زنان مشاهده نمود. اینکه با اهمیت دادن پیامبر ص به زنان، سبب احترام به شخصیت زن و آزادی او در جامعه شد و به دوران بردگی زنان پایان داد. تحقیر و در هم شکستن شخصیت زن، که تنها در میان عرب جاهلی نبود، بلکه در میان اقوام دیگر و حتی شاید تمدن‌ترین ملل آن زمان نیز، زن شخصیتی ناچیز داشت، بود و غالباً با او به صورت یک کالا و نه یک انسان رفتار می‌شد، ولی مسلماً عرب جاهلی این تحقیر را در اشکال زنده تر و وحشتناک تری انجام می‌داد تا آن‌جا که اصلاً نسب را به مرد مربوط می‌دانست و مادر را تنها ظرفی برای نگاهداری و پرورش جنین، محسوب می‌کرد! چنان که در شعر معروف جاهلی منعکس است: «بُنُوْنَا بُنُوْنَا بُنُوْنَا وَبَنَاتُنَا بُنُوهُنَّ أُمَّنَا الرَّجَالُ الْأَبَاعِدُ» (۱۰)؛ (فرزندان ما فرزندان پسران ما هستند و اما فرزندان دختران ما پسران مردان بیگانه‌اند). آن‌ها برای زن، حتی در ارث قائل نبودند و برای تعدد زوجات، حد و مرزی قائل نمی‌شدند، به سادگی خوردن آب، ازدواج می‌کردند و به آسانی، آن‌ها را طلاق می‌دادند. ولی اسلام ظهور کرد و با این خرافه در ابعاد مختلفش سرسختانه جنگید، مخصوصاً تولد دختر را که ننگ می‌دانستند و إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ. يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (نحل، ۵۸-۵۹)؛ در حالی که هر گاه به یکی از آنها بشارت دهند دختری نصیب تو شده صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود، و مملو از خشم می‌گردد! از قوم و قبیله خود به خاطر بشارت بدی که به او داده شده متواری می‌گردد (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگاهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟ چه بد حکمی می‌کنند؟! این در حالی است که در احادیث اسلامی تولد دختر را به عنوان گشوده شدن ناودانی از رحمت خدا به خانواده معرفی کرد. و در نهی این افراد می‌فرماید:

از جامعه مدینه داشتند که پیامبر(ص) از طریق رابطه برادری هویت ایمانی به جامعه مسلمانان بخشید که نیاز به تعلق و روابط اجتماعی را ایجاد نمود. از طرف دیگر نیز مردم یثرب که از مخاصمات داخلی به ستوه آمده بودند، اهمیت وجود یک رهبر مقتدر را درک می کردند و تصمیم داشتند یک سلطه مرکزی ایجاد نمایند. از این رهگذر هجرت پیامبر(ص) به یثرب برای آن ها امید ایجاد امنیت داخلی را قوت بخشید. و یا حضرت ابراهیم ع ابتدا تلاش برای ایجاد امنیت در بین مردم بود به همین دلیل ابتدا از خداوند تقاضای امنیت و سپس درخواست مواهب اقتصادی می کند، و این خود اشاره ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکمفرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست.

۲. موانع تأثیرپذیری فردی جامعه عصر نزول قرآن کریم از پیامبر اسلام(ص)

تأثیر گذاران یک جامعه به هر میزان هم تلاش برای تأثیرپذیری افراد جامعه داشته باشند ولی موانعی به صورت فردی در افراد مختلف جامعه وجود دارد که مانع تأثیرپذیری سخن آنان خواهد شد و تأثیر گذاران قادر به تغییر نگرش ها، باورها و رفتارهای تأثیرپذیران نخواهند بود. چرا که عوامل درونی سبب تأثیرپذیری افراد جامعه از افراد قدرتمند جامعه و تغییر باورها و نگرش های آنان می گردد. از موانعی که در جامعه بعد از ظهور اسلام گفته شده این است که جامعه آن دوران یک جامعه جاهلی بود، که در این فصل به موانع تأثیرپذیری فردی جامعه عصر نزول قرآن پیرامون جاهلیت پرداخته خواهد شد. در این مورد قرآن کریم نیز متضمن اطلاعاتی در مورد تاریخ عرب بعد از اسلام می باشد و در بستر زمانی و مکانی و شرایط و اوضاع و احوال جاهلیت عربستان فرو فرستاده شده است و پیام خود را با توجه به آن چه بر مردم می گذشت ابلاغ کرده است. قرآن کریم برخی از عناصر منفی فرهنگ جاهلی را نقل کرده و موانعی که در دوران پیامبر ص وجود داشت و سرچشمه از جاهلیت می گرفت بیان می دارد. از این رو به منظور هدایت و راهبری مردم و نجات آنان از گمراهی ها و ضلالت ها و نمایاندن راه درست،

متعرض آداب و رسوم و فرهنگ حاکم بر مردم گردیده (مائده، ۵۰) و در مواردی پس از بیان فلسفه این عمل به رد (توبه، ۳۷) و اصلاح (بقره، ۲۱۸) آن ها پرداخته است و از آن جایی که جاهلیت فقط به معنای نادانی و نداشتن دانش نیست بلکه منظور فقدان مولفه های فرهنگی قوی و پویا و رفتارها و اعتقاداتی منحنط هم می باشد، بنابراین شناخت آن دوران، علت رواج جاهلیت و این مسئله که چرا جامعه در معرض آسیب های جدی قرار داشت را بعضا بیان می کند که جزیره العرب و به ویژه شهر مکه از منظر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پایین ترین و بدترین وضع را تحمل می کرد و مکه با همه تیرگی هایی که داشت، ضد آن تیرگی های

شرک و انحطاط عقیده و اخلاق را نیز در خود می پروراند. از سوی دیگر مدینه ای که پیامبر ص بدان وارد شد، مدینه ای فرورفته در رقابت های جاهلی اوس و خزرج و نفوذ یهود بود و البته بعدها مرکز

کمبود آن افراد را که باعث رنجشان می شده است رفع کرده اند. نیاز انواع مختلف دارد و روانشناسان مختلف برای نیازهای مختلف طبقه بندی های مختلف ارائه داده اند. معروفترین طبقه بندی نیاز ها در انسان را مازلو اینگونه بیان کرده است.

وی نیازهای انسان را به صورت سلسله مراتبی به پنج دسته عمده طبقه بندی کرده است. بنابر این طبقه بندی، نیازهای رده پایین باید حداقل تا حدودی برطرف شود تا فرد بتواند فرصت برطرف نمودن نیازهای رده بالاتر را بیابد. این طبقه بندی از پایین به بالا مرتب شده است و در آن نیازهای فیزیولوژیکی، مثلا نیاز به آب و غذا، حرارت مناسب و غیره، در پایین ترین سطح قرار دارند. بعد از این نیازها نیازهای مربوط به ایمنی قرار دارند که عبارتند از نیاز به داشتن محیطی امن، اجتماعی منظم و خالی از خطر، یا به طور کلی شرایط زندگی خالی از تهدید، در رده سوم این سلسله مراتب نیاز به عشق و تعلق قرار دارد، یعنی نیاز به ایجاد روابط متقابل با دیگران و محبت کردن و مورد محبت واقع شدن بعد از این نیاز ها، نیاز های رده

چهارم با عنوان نیاز های مربوط به عزت نفس یا احترام به خود مطرح می شود. یعنی نیاز به کسب توفیق و تأیید یا نیاز فرد به ایجاد تصور مثبتی درباره خود در نظر دیگران، یعنی اینکه دیگران او را فردی قابل احترام بدانند. و بالاخره پنجمین و

بالاترین سطح نیازها، نیازهای مربوط به خود شکوفایی یا تحقق خویشتن است که نیازهای فرد در رسیدن به آن چه که در حداکثر توان و استعداد اوست اشاره می کند. (۱۱)

از مصادیق مسائل گفته شده می توان به پیامبر اسلام (ص) اشاره نمود که ایشان برای رفع نیازهای مردم تلاش نمودند از جمله رفع نیازهای مربوط به ایمنی و امنیت به صورت فردی و اجتماعی بود. این مسئله در ابتدا با دستور هجرت به مسلمانان در مکه که به پیامبر(ص) پناه آورده بودند، صورت گرفت. مسلمانان در مکه خطرات زیادی آن ها را تهدید می کرد زیرا مشرکان قریش از اسلام آوردن افراد احساس خطر می کردند و زمانی هم که پاسخ مثبت مردم یثرب به مسلمانان را دیدند، به

مسلمانان مکه بیشتر سخت گرفتند و بر آزار و اذیت آن ها افزودند (۱۲) پیامبر (ص) دستور دادند تا اصحابشان به صورت پنهان و پراکنده مهاجرت به مدینه را آغاز نمایند و این هجرت اهمیت زیادی در تاریخ دولت اسلامی در پایه گذاری اولیه داشت و سبب ایجاد امنیت برای این عده از مسلمانان ساکن مکه گردید. این مسئله در آیه ۲۶ سوره انفال ذکر شده است: *وَ اذْكُرُواْ اِذْ اَنْتُمْ قَلِيْلٌ مُّسْتَضْعَفُوْنَ فِى الْاَرْضِ تَخَافُوْنَ اَنْ يَّخَطَّفَكُمْ النَّاسُ فَاْوَاكُمْ وَاَيَّدُكُمْ بِنَصْرِهِ وَّرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ* (انفال، ۲۶) و به یاد آرید زمانی که عده قلیلی بودید که شما را ضعیف و خوار در زمین (مکه) می شمردند و از مردم (مشرک) بر خود ترسان بودید که مبادا شما را (از روی زمین) برچینند، بعد از آن خدا شما را در پناه خود آورد و به یاری خود نیرومندی و نصرت به شما عطا کرد و از

پاکیزه ترین (غنائم و) طعام ها روزی شما فرمود، باشد که شکر به جای آرید و یا مهاجرانی که از مکه وارد مدینه شده بودند، به دلیل دوری از خانواده و غربت در مدینه احساس بیگانگی و جدائی

مهمی برای منافقان جامعه ی اسلامی گردید. پیامبر اسلام (ص) با چنین موانعی روبرو بودند و می بایست جهت تأثیر و نفوذ بر جامعه، این موانع را برطرف سازند و البته هر تأثیر گذار دیگری هم بخواهد بر مخاطبان خود نفوذ کند، می بایست موانع تأثیر پذیری در مخاطبین خود را بشناسد و آن ها را برطرف نمایند.

۱.۲. تأثیر پذیری افراد از مرجع قدرت

یکی از مسائلی که انسان ها را از نظر نگرش و رفتار تغییر می دهد اعمال قدرت از سوی مراجع قدرت است. افراد در برابر مرجع قدرت خود را مکلف به انجام دستورات آن می دانند. در آلمان نازی طی ۱۲ سال میلیون ها نفر مردم بی گناه در اردوگاه ها کشته شدند که تنها به دستور آدولف هیتلر صورت پذیرفت. در این کشتار سازندگان کوره های آدم سوزی، سربازان و درجه داران آلمانی، کارمندان همه و همه دخالت داشتند و همه معتقد بودند که علت رفتارشان تنها و تنها انجام دستور مرجع قدرت بوده است و آن ها هیچگونه تقصیری در این کشتار نداشته اند. اجبار به تنهایی در تاریخ توانسته است که نگرش ها و رفتارها را کنترل و تغییر دهد. مراجع قدرت برای تغییر کامل افکار عمومی، مردم را کشته اند و همین مسئله یعنی اعمال زور و قدرت باعث می شده که خیلی از مردم افکار و نگرش هایشان برگردد یا حداقل محافظه کار شوند. می توان گفت اعمال قدرت یکی از پرنفوذترین و قویترین روش در کنترل رفتار آدمیان است. هر چه قدر بیشتر بر مردم فشار وارد شود سرپیچی آن ها از اوامر و دستورات فرد مقابل کمتر می شود. در دوران پیامبر اسلام زمانی که ایشان در مکه حضور داشتند مردم کمتر مسلمان می شدند که یکی از علت های آن مراجع قدرتی بودند که با ترس و زور و قدرت و استعمار و استکباری که در جامعه ایجاد کرده بودند، به کنترل افراد جامعه می پرداختند لذا مانع تأثیر پذیری از پیامبر می شده است. از دلایل پذیرش دستورات مراجع قدرت می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. وجود قرارداد بین مرجع قدرت و مخاطبینشان
 ۲. همانندسازی با افراد هم رتبه خود که از مرجع قدرت اطاعت می کنند.
 ۳. ترس از مجازات مرجع قدرت در صورت اطاعت نکردن از او.
 ۴. توجیه رفتار خود، اینکه مجبور است به دستور، عمل نماید.
- البته مراجع قدرت تا زمانی بر افراد نفوذ خواهند داشت که وجود داشته باشند و وقتی مراجع قدرت نباشند دیگر بر افراد نفوذ نخواهند داشت و رفتار آن ها را نمی توانند کنترل یا هدایت کنند. درست مانند تازه مسلمانان در مکه که تا زمانی که هنوز موقعیت هجرت به مدینه برایشان پیش نیامده بود، جرأت ایمان آوردن به پیامبر را نداشتند و یا اگر ایمان می آوردند مجبور به تقیه بودند. زیرا مراجع قدرت مانع ایمان آوردن مردم می شدند. البته وقتی مکه به دست پیامبر فتح شد، سران شرک و کفر دیگر قدرت نفوذ نداشتند و نمی توانستند قدرت خود را بر مردم اعمال کنند.

۲.۲. عدم احترام به نفس از دلایل عدم پذیرش از افراد تأثیر گذار
تأثیر پذیران هر چه قدر ضعیف النفس و بی اراده باشند کمتر تحت تأثیر فرد تأثیر گذار قرار می گیرند. انسان ضعیف النفس از خود اراده ندارد. آن ها همیشه به افراد دیگر وابسته است از خود طرز تفکر، سلیقه خاصی ندارد. آن ها قدرت تصمیم گیری هم ندارند و همیشه محیط بر آن ها اثر می گذارد آن ها خود را ضعیف می شمارند در خود چیزی نمی بینند. تابع حزب باد

هستند. از هر کجا که بوزد برای آن ها فرقی ندارد. لذا تا زمانی که جامعه عصر پیامبر بود تابع مشرکان و ثروتمندان بودند، از آن مشرکان و ثروتمندان تبعیت می کردند و وقتی جامعه اسلامی شد و افراد به اسلام گرویده بسیار شدند آن ها نیز اسلام آوردند لذا این گونه افراد تابع جو جامعه خود هستند و به راحتی نظر دیگران را قبول می کنند زیرا اعتماد به نفس ندارند. یک انسان که احترام به نفس دارد، به خود مطمئن است. او زود باور نیست و بدون تحقیق چیزی را نمی پذیرد. (الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ) (زمر، ۱۸) همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند) در تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج چنین می فرماید: آنان کسانی هستند که سخن حق را از کتاب خدا و سنت رسولش می شنوند و آن را درک می کنند. پس از بهترین چیزی که به آن امر شده است پیروی می کنند و به آن عمل می کنند. (۱۳) چنانکه خداوند متعال به موسی علیه السلام فرمود: (فَخَذُوا بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ قَوْمَكِ يَا خُذُوا بِأَحْسَنِهَا) (اعراف، ۱۴۵) (به موسی دستور دادیم (حقایق و احکام) آن (تورات) را به قوت (عقل و ایمان) فراگیر و قوم را دستور ده که نیکوتر مطالب آن را اخذ کنند) بنابر آنچه گفته شد افراد دیر باور اول نظر خودش شرط است نه نظر دیگران و چون به نظر خود اعتماد و ایمان دارد، اشتباه نمی کند و تحت تلقین دیگران قرار نمی گیرد. او برای خودش احترام و ارزش قائل است. بنابراین برای باورهای خود نیز ارزش قائل می شود. به این آسانی ها به آن شک نمی کند. اگر این فرد به دلایلی به موضوعی اعتقاد ندارد حتی اگر هزاران نفر به او بگویند تو اشتباه می کنی، چون با دلیل و برهان پذیرفته به باور خود پابرجاست و نظر خودش بر نظر دیگران و یا شبهه افکنان تقدم دارد. افراد بی اراده اولین و قویترین ضعف آن ها زود باوری آن هاست. آن ها آن قدر به باور خودشان سست ایمان و بی اعتماد هستند که با کوچکترین فشار، باورشان در هم می ریزد و به باور اشتباه گروه معتقد می شوند درست مانند زمانی که پیامبرص از دنیا رفتند و هیچ کس از جانشینی حضرت علی ع دفاع نکرد. چرا که افراد بی اراده و ضعیف النفس با کمترین فشاری از سوی محیط، همه آن عهد و پیمان هایشان با پیامبر را فراموش نمودند. و به راحتی تسلیم تلقین جامعه خود شدند. همانطور که در بالا هم گفته شد این افراد تابع باد هستند از هر کجا بوزد برای آن ها فرقی نمی کند به راحتی قبول می کنند.

۳.۲. عدم احساس امنیت تأثیر پذیران در پذیرش سخن تأثیر گذاران
هر چه قدر افراد امنیت کافی برای پذیرش سخن فرد تأثیر گذار را نداشته باشند، تأثیر پذیری هم صورت نخواهد گرفت. جرأت تبعیت از فرد تأثیر گذار را ندارند

و خجالت است. افراد خجول وقتی که در برابر نظر دیگران قرار می‌گیرند چون خجالت می‌کشند از نظرات آن‌ها انتقاد کنند بنابراین هیچ انتقادی را بیان نمی‌کنند و تنها راه را در قبول کردن نظریات دیگران می‌بینند و از این رو قدرت انتقاد کردن را در خود می‌کشند. بنابراین افراد خجول و کم‌هوش تلقین پذیرند و زود باورتر از افراد باهوش و غیر خجول می‌باشند.

۵.۲. نقش نگرش‌ها، اعتقادات قبلی افراد تأثیر پذیر در قبول و عدم قبول سخن افراد تأثیر گذار:

هر چه قدر سخن تأثیر گذاران جامعه با عقاید و احساسات قبلی افراد تأثیر پذیر نزدیک باشد به همان نسبت فرد بهتر آن را قبول می‌کند. اگر سخن آن افراد با اعتقادات فرد تأثیر پذیر مخالف باشد فرد تأثیر پذیر پافشاری کرده و تلاش آن افراد کارساز نخواهد بود و آن فرد آن را قبول نمی‌کند.

یک تأثیر گذار می‌بایست براساس نگرش‌ها و اعتقادات قبلی مخاطبینش اهداف خود را بر آنان پیاده نماید تا بر آن‌ها نفوذ بیشتری داشته باشد. مثلاً اگر مخاطبین افرادی منفعت طلب هستند و تنها در هر مسئله ای به سود و نفع خود فکر می‌کنند تأثیر گذار باید به شکلی اهداف خود را پیاده نماید که تأثیر پذیران به سود و منفعت خود نیز دست یابند. بنابر این اگر پیام و اهدافی را بخواهیم به فردی تلقین نماییم می‌بایست منطبق بر عقاید و احساسات و نیازهایش باشد تا بهتر آن را قبول نماید. چون جهانی که عرب جاهلی در آن زندگی می‌کرد، جهان مادی بود که به زندگی چند روزه دنیا محدود می‌شد و تلاش آنان از تامین نیازهای مادی زندگی فراتر نمی‌رفت.

نتیجه گیری

در این پژوهش به تجزیه و تحلیل جامعه عصر نزول قرآن و استخراج عوامل و موانع تأثیر پذیری فردی افراد آن جامعه از پیامبر اسلام ص در قرآن کریم پرداخته شده است و محقق با طرح نظریه مطرح شده در این مقاله و بررسی جامعه عصر نزول قرآن و عوامل و موانعی که در تأثیر پذیری از پیامبر اسلام ص وجود داشته است به این نتیجه رسیده که عواملی سبب تأثیر پذیری افراد از فرد تأثیر گذار می‌گردد و موجب تأثیر فرد از گروه یا فرد از فرد دیگر می‌شود. عواملی که به واسطه آن پیامبر اکرم ص توانستند تا عمق جان امت نفوذ نمایند و قلب و ذهن آنان را در تسخیر خود در آورند که قرآن کریم به آن اشاره نموده است و به ذکر عناصر مثبت فرهنگ جاهلی و ویژگی‌های مثبت جامعه عصر نزول که سبب تأثیر پذیری از پیامبر می‌شده، پرداخته است و البته گاهی هم به تعدیل و یا تکمیل عناصر مذکور همت گماشته و گاه با ایجاد تغییر و تحولاتی، آن‌ها را اصلاح کرده است و همچنین این مسئله به دست آمده است که در کنار توجه فرد تأثیر گذار به عوامل تأثیر پذیری، رفع موانع هم لازم است و پیامبر به این مسئله توجه داشته است و چه بسا همه این عوامل را افراد برای تأثیر گذاری بر مخاطبان خود توجه می‌کنند اما به موانعی که ممکن است اثر این عوامل را خنثی نماید توجهی ندارند.

همچنین محقق در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که برای تأثیر گذاری و نفوذ در افراد، قوانینی لازم است که بتوان با آن به

این امنیت می‌تواند هم جسمانی باشد و هم روانی. از لحاظ روانی اگر فرد بخواهد مخالفتی با اطرافیان خود داشته باشد از طرف آن‌ها طرد و یا محروم می‌شود. و از لحاظ جسمانی نیز تنبیه و مجازات می‌شوند. لذا افراد به راحتی تحت تأثیر تلقین جامعه خود می‌شوند و از محیط تأثیر می‌پذیرند. چون دوران پیامبر اسلام، که مردم جامعه او به علت عدم امنیت خاطر از

سوی سران قوم و قبیله و سران شرک و کفر و ترس از مجازات توسط آن گروه‌ها، جرأت اسلام آوردن به پیامبر را نداشتند. امروزه نیز در بسیاری کشورهای غیر اسلامی منع برای گرویدن به دین اسلام و عدم تبعیت از احکام اسلام وجود دارد که البته دین اسلام هجرت را از راه‌های برون رفت از این مسائل و مشکلات می‌داند. چنانچه خداوند در آیه ۹۷ سوره نساء می‌فرماید: *إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (نساء، ۹۷)* کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کفار

جای داشتید؟!)) گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آنها [فرشتگان] گفتند: «مگر سرزمین خدا، پنهان‌تر نبود که مهاجرت کنید؟!)) آنها (عذری نداشتند، و) جایگاهشان دوزخ است، و سرانجام بدی دارند.

۴.۲. عدم توانایی تأثیر پذیران در انتقاد از سخن افراد جامعه در مقابل فرد تأثیر گذار

فردی که در جامعه قدرت استدلال و انتقاد ندارد به آسانی باور اطرافیان خود را قبول می‌کند و اگر آن‌ها سخن فرد تأثیر گذار را خوب و یا بد معرفی کنند فرد تأثیر پذیر هم همان را می‌گوید زیرا او هرگز از قوای فکری و عقلانی خود بهره نبرده و فاقد حس انتقاد می‌باشد.

بنابر این هرچه قدر افراد جامعه قدرت انتقاد کمتری داشته باشد. به همان اندازه بهتر تلقینات را می‌پذیرند.

اما در مقابل، افرادی هم هستند که در برابر افکار و سخن افراد جامعه خود دلایل مستدل و قانع کننده‌ای را درخواست می‌کنند. و به انتقاد و استدلال در برابر آن‌ها می‌پردازد و بدون تفکر سخن آن‌ها را نمی‌پذیرد. اینکه چه افرادی اصولاً قدرت انتقاد ندارند به عوامل مختلفی مربوط می‌گردد:

۱. هوش پایین افراد:

افراد کم‌هوش از قدرت انتقاد کردن پائینی نسبت به سایرین برخوردارند در حالی که افراد باهوش از قدرت انتقاد کردن بالایی برخوردارند. یک فرد کم‌هوش چون قدرت انتقاد کردن ندارد در برابر موقعیت‌های تلقینی که قرار بگیرد چون آن موقعیت‌ها را خوب بررسی نمی‌کند و به جستجوی علل قبول آن نمی‌پردازد بنابر این تحت تأثیر تلقین قرار می‌گیرد و آن را به سادگی می‌پذیرد.

۲. افراد خجول و کم‌رو

دومین عامل مهم دیگر که با قدرت انتقاد در ارتباط است کم‌رویی

باشد و و این عوامل و موانع تأثیر پذیری سبب می شود تا بر حجم بسیاری از افکار، احساسات، رفتار افراد، تلقین و نفوذ گروهی اثر گذارد. یعنی محیط جامعه بر روی افراد تأثیر گذار است.

References

1. Haghi Brosavi, Ismail, Bita, Tafsir Ruh al-Bayan, first edition, Beirut, Dar al-Fakr Publications.
2. Yaqoubi, Ahmed bin Ishaq, 1389, Tarikh. Yaqoubi, 11th edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications
3. The Holy Quran, divine translation by Qomshei.
4. Tayeb, Seyyed Abdul Hossein, 1378, Atyeb al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, second edition, Tehran, Islam Publications
5. Maleh, Alber, 2017, History of Albermaleh, 4th edition, Tehran, Samir Publications
6. Niazmand, Yadullah, 1349, History of Slavery, second edition, Tehran, Naqsh Jahan Publications
7. Sharif, Ahmad Ibrahim, Beita, Makkah and Al-Madinah in Al Jahiliyyah, Faqah School Library website.
8. Zarin Koob, Abdul Hossein, 1386, History of Iran after Islam. 10th edition, Tehran, Amir Kabir Publishing House
9. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, 1367, translation of Tafsir al-Mizan, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers
10. Baghdadi, Abd al-Qadir bin Omar, 1418, Khazane al-Adab and Lab Labab Lasan al-Arab, first edition, Beirut, Darul Kitab al-Islamiya
11. Rezaian, Ali, 1386, Organizational Behavior Management, 12th edition, Tehran, Alam and Adab Publishing House
12. Balazri, Ahmad bin Yahya bin Jaber bin Dawud, 1417, Ansab al-Ashraf, first edition, Beirut, Dar al-Fikr publishing house
13. Zaheili, Wahba bin Mustafa, 1418, al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Sharia wa al-Manhaj, second edition, Beirut, Dar al-Fikr publishing hous

تغییر و کنترل افکار عمومی پرداخت. رهبران موفق کسانی هستند که قدرت نفوذ در افراد را داشته باشند و به این قوانین آگاه باشند. بسیاری از این قوانین، افکار عمومی مردم را در دوران های مختلف تغییر داده و دگرگون ساخته است. قوانینی که با توجه به فرهنگ و نظام ساختاری هر جامعه ای متفاوت بوده و البته مشترکاتی نیز دارد. با بررسی فرهنگ و نظام ساختاری جامعه های مختلف می توان به قوانین تأثیر پذیری آن جامعه دست یافت. پیامبر اسلام ص با استفاده از این قوانین توانسته است افکار عمومی و فضای جامعه عصر نزول قرآن را تحت کنترل خود قرار دهد. محقق برای کشف این قوانین تأثیر پذیری، ویژگی های مربوط به فرهنگ فردی جامعه عصر نزول قرآن را مورد بررسی قرار داده و از قرآن کریم که متضمن اطلاعاتی در مورد تاریخ عرب بعد از اسلام می باشد، به عنوان منبعی برای کشف این قوانین بهره برده است. بنابراین در این قسمت اول مقاله عوامل فردی و یا به عبارتی دیگر عوامل درونی که عامل تأثیر پذیری از تأثیر گذارانی چون پیامبر اسلام ص می شده و به هر فرد مربوط می گردد مورد بحث قرار گرفته است و این نتیجه به دست آمده که عواملی چون: علاقه مندی مخاطبین به تأثیر گذاران، قابل قبول دانستن تأثیر گذاران در نزد مخاطبانشان، نبود غرض و سود جویی از سوی تأثیر پذیران، خستگی تأثیر پذیران از مسائل و مشکلات جامعه، انتظار کسب پاداش و منفعت از سوی تأثیر گذاران و در ایجاد ارتباط با آنان و پذیرش سخنانشان تأثیر بسیار زیادی دارد و در قسمت دوم مقاله به این مطلب پرداخته شده است که موانعی به صورت فردی در افراد مختلف جامعه وجود دارد که مانع تأثیر پذیری سخن آنان خواهد شد و تأثیر گذاران قادر به تغییر نگرش ها، باورها و رفتارهای تأثیر پذیران نخواهند بود. چرا که موانع درونی سبب تأثیر پذیری افراد جامعه از افراد قدرتمند جامعه و تغییر باورها و نگرش های آنان می گردد. از موانعی که در جامعه بعد از ظهور اسلام گفته شده این است که جامعه آن دوران یک جامعه جاهلی بود، که در این قسمت به موانع تأثیر پذیری فردی جامعه عصر نزول قرآن پیرامون جاهلیت پرداخته شده و در این مورد قرآن کریم نیز متضمن اطلاعاتی در مورد تاریخ عرب بعد از اسلام می باشد و در بستر زمانی و مکانی و شرایط و اوضاع و احوال جاهلیت عربستان فرو فرستاده شده است و پیام خود را با توجه به آن چه بر مردم می گذشت ابلاغ کرده است که از آن برای بیان موانع تأثیر پذیری از پیامبر اسلام ص بهره برده شده است که با بررسی آیات قرآن کریم این نتیجه به دست آمده است که موانعی چون: عدم احساس امنیت در تأثیر پذیران، ضعیف النفس بودن و عدم اراده در تأثیر پذیران، نگرش ها، اعتقادات قبلی افراد تأثیر پذیر در قبول و عدم قبول سخن افراد تأثیر گذار، عدم توانایی تأثیر پذیران در انتقاد از سخن افراد جامعه در مقابل فرد تأثیر گذار و از دلایل عدم پذیرش تأثیر پذیران از افراد تأثیر گذار می باشد.

بنابر آن چه در این مقاله بررسی شد، نظریه مطرح شده اثبات می شود و با توجه به نتایج مطرح شده به این نتیجه نهایی رسیده می شود که عوامل و موانعی در تأثیر پذیری افراد وجود دارد که سبب می شود رأی اکثریت، در عقیده یک فرد اثر بسیار زیادی بگذارد و این اصل، پایه و اساس تشکیل هنجارهای اجتماعی هر جامعه می